

ذکر سعدی در انفاس العارفين

شیخ فریدالدین عطار در تذکرة الاولیای خود راجع به عرفا و سخنانشان چنین می‌نویسد: ”بعد از قرآن و احادیث نبوی هیچ‌سختن بالای سخن مشایخ طریقت نیست، رحمهم‌الله علیهم، که سخن ایشان نتیجه کارها و حال است نه ثمره حفظ و قال و از عیان است نه از بیان و از اسرار است نه از تکرار و از جوشیدن است نه از کوشیدن و از علم لدنی است نه از علم کسبی و از علم ادبى^۱ است نه از جهان علمنى ابى^۲ که ایشان ورثه انبیاء اند^۳“.

پیش‌آمدهای زیر را که جامی در «نفحات الانس» و شاه ولی الله دهلوی در «انفاس العارفين» درباره شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی نقل نموده‌اند با اذعان و ایمان به اظهارات شیخ فریدالدین عطار می‌توان مورد بررسی قرار داد.

جامی در «نفحات الانس» درباره شیخ سعدی آورده است:

”یکی از مشایخ منکر وی بود. شبی در واقعه چنان دید که درهای آسمان گشاده شد و ملایکه با طبقهای نور نازل شدند. پرسید که این چیست گفتند برای سعدی شیرازی است که بیتی گفته که قبول حق سبحانه افتاده است و آن بیت این است: برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقی دفترى ست معرفت کردگار آن عزیز چون از واقعه درآمد هم در شب به در زاویه شیخ سعدی رفت که وی را بشارت دهد. دید که چراغی افروخته و با خود زمزمه می‌کند. چون گوش

۱. حدیث رسول: ادبى ربى فاحسن تأدبى؛ یعنی خدا مرا ادب کرد و به نحو عالی ادب کرد.

۲. علمنى ابى. یعنی پدرم به من آموخت.

۳. تذکرة الاولیا، دیباچه مؤلف، مرتب دکتر محمد استعلامی انتشارات زوار، تهران، ص ۵.

کشید همین بیت می خواند^۱.

همچنین شاه ولی الله محدث دهلوی در *انفاس العارفين* پیش آمد جالب و مهمی را درباره شیخ سعدی نقل می کند که از آن حتی می توان سراپای سعدی را نیز تا حدی مجسم ساخت. علاوه بر این پیش آمد، طی فصلی تحت عنوان «ذکر واقعات حضرت ایشان و کشف ارواح و آنچه بدان ماند، آورده که در آن توضیح داده شده که ارواح اشخاص مقرب و برگزیده خدا می توانند به جسم خودشان برگردند و در دنیا ظاهر شوند. شاه ولی الله دهلوی درباره شیخ سعدی شیرازی می نویسد:

”می فرمودند در اکبرآباد اثناء مراجعت از درس میرزا محمد زاهد، کوچه دراز

پیش آمد ابیات شیخ سعدی در آن حالت می خواندم و ذوقی می کردم:

جز یاد دوست هرچه کنی عمر ضایع است جز سر عشق هرچه بخوانی^۲ بطلت است

سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر حق^۳ علمی که ره بحق ننماید جهالت است^۴

مصراع چهارم از خاطرم برفت و در من قلقی و اضطرابی ازین سبب پیدا شد. ناگاه مردی دو موی فقیر وضعی ملیح روی از جانب یمن من برآمد و گفت: ”علمی که ره بحق ننماید جهالت است“ گفتم جزاک الله خیرالجزاء چه قدر قلق و اضطراب از دل من زایل نمودی آنگاه دو دسته تنبول^۵ را برآورده پیش آن عزیز بردم، تسم کرد و گفت: این اجر باز رهانیدن است. گفتم: نه و لیکن شکرانه است. گفت: من نمی خورم.

۱. *نفحات الانس*، مطبع نولکشور، ص ۵۴۲.

۲. بگویی: *غزلیات سعدی*، آقای محمد علی فروغی، کتابفروشی و چاپخانه بروخیم تهران، ص ۳۲.

۳. او: *غزلیات سعدی*.

۴. *غزلیات سعدی*، ص ۳۲.

۵. برگ درختی است که آن را در هند با گچ و چیزهای دیگر می خورند و آن را پان هم می گویند و

اگر کسی پان می خورد دهنش قرمز می شود، امیر خسرو دهلوی از تنبول یا پان چنین تعریف می کند:

نادره برگی چو گل بوستان	خوبترین نعمت هندوستان
طرفه نباتی که چو شد در دهن	خونش چو حیوان بدر آید ز تن
خوردن آن بوی دهن کم کند	سستی دندان همه محکم کند
سیر خورد گرسنه در دم شود	گرسنه را گرسنگی کم شود
تیزی او آلت قطع جزام	قول نبی رفته علیه السلام

گفتم: از جهت شرع احتراز می‌نمائید یا از جهت طریقت و آیا ما کان^۱ بیان فرمائید تا من هم احتراز نمایم. گفت: ازینها چیزی نیست و لیکن نمی‌خورم. آنگاه گفت: مرا زود باید رفت. گفتم: من هم بشتاب می‌روم، گفت: شتاب‌تر می‌خواهم. پس قدم برداشت و آخر کوچه نهاد. دانستم که روح مجسم است. ندا کردم که بر نام خود هم اطلاع دهید تا فاتحه می‌خوانده باشم. گفت: سعدی همین فقیر است.^۲

پیش‌آمدی که دربارهٔ شیخ سعدی از *انفاس العارفین* در بالا نقل گردید دال بر این است که سعدی شیرازی در نظر اهل تصوّف و علم و فضل هندی مقام و حیثیت خصوصی دارد. بیشتر صوفی‌ها و علمای هندی شعرهای سعدی را در آثار و ملفوظات خود نقل می‌کنند. بعضی اوقات دیده می‌شود که صوفی صافی و یا عالم برجسته مذهبی عقیده خود را مطرح می‌نماید و در حمایت از این نظر و عقیده خود شعری یا قطعه‌ای از شیخ اجل می‌آورد. خلاصه اینکه تأثیر افکار و عقاید سعدی در جامعه عرفا و علمای هند به حدّی است که هرگز نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.

آنچه که از اظهارات شاه ولی الله محدث دهلوی برمی‌آید مبین این واقعیت است که سعدی در هند یک شیخ کامل، یک مرد حقیقت آگاه و اهل معرفت و بندهٔ مقرب خدا است. در نتیجه می‌توان استنباط کرد که آنچه سعدی به حیث شیخ کامل، کشف و درک نموده به تمامی آنها را در تصنیفات و تألیفات منظوم و مثنوی خود بیان کرده است. بیجا نیست اگر کلماتی چند دربارهٔ کتاب *انفاس العارفین* و گردآورنده و ترتیب دهندهٔ آن نیز بنویسیم.

انفاس العارفین حاوی ملفوظات مولانا عبدالرحیم دهلوی^۳ می‌باشد که آن را پسرش شاه ولی الله گردآورده و ترتیب داده است. شاه ولی الله *انفاس العارفین* را چنین معرفی می‌نماید:

”می‌گویند فقیر ولی الله عفی عنه این کلمهٔ چند است از اقوال و احوال و واقعات

۱. و ایا ما کان: و یا علت دیگری هست.

۲. *انفاس العارفین*، چاپ مطبع احمدی، دهلی، ۱۳۱۵ هـ/۱۸۹۷ م، ص ۵۴.

۳. متوفی: دوازدهم صفر ۱۱۳۱ هجری.

و تصرفات حضرت والد بزرگوار قدوة العارفين، زبدة الواصلين... مولانا الشيخ عبدالرحيم قدس الله سره العزيز^۱.

شاه^۲ ولی الله یکی از برجسته‌ترین علماء و فضلا و مشایخ قرن هیجدهم میلادی در هند به‌شمار می‌آید. مولانا شاه عبدالرحیم دهلوی، نقشبندی مشرب، جامع فنون عقلی و نقلی، حاوی علوم اصلی و فرعی و محدث نام‌آور هند بود^۳. تمام خانواده مولانا عبدالرحیم دهلوی یعنی پسرها و نوه‌ها و اشخاص دیگر در پیشبرد علوم دینی منشأ خدمات شایانی بوده‌اند. شاه ولی الله پسر مولانا شاه عبدالرحیم قرآن الحکیم را به فارسی ترجمه کرد. شاه عبدالعزیز^۴ پسر بزرگ شاه ولی الله آثار متعددی در زمینه علوم دینی بجای گذاشت. شاه عبدالقادر و شاه رفیع‌الدین^۵، پسرهای دیگر شاه ولی الله هم قرآن الحکیم را به زبان اردو ترجمه کردند. شاه عبدالحی^۶ شاگرد و خویش شاه عبدالعزیز فرهنگ قرآن (لغات القرآن) را ترتیب داد. مولانا محمد اسحاق نوه شاه عبدالعزیز مشکوة را به زبان اردو برگرداند. خلاصه اینکه شاه عبدالعزیز ماهر علوم نقلی بود. شاه رفیع‌الدین در حل مسائل عقلی ید طولایی داشت و شاه عبدالقادر در مسائل و امور کشفی از همگنان خود گوی سبقت ربود. مختصر اینکه: این خانه تمام آفتاب است. علاوه بر این در دهلی مدرسه‌ای بود بنام «مدرسه رحیمیه» که در قرن نوزدهم میلادی مرکز بزرگ ترویج و آموزش علوم دینی در تمام آسیا بود. دانشجویان از سراسر هند و خارج از هند اینجا می‌آمدند و علوم دینی را یادگرفته آماده خدمت صمیمی به مذهب و ملت می‌شدند. چنانکه می‌دانیم قرن نوزدهم میلادی از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دوره انحطاط در هند شناخته می‌شود. سلطنت تیموریان رو به‌زوال گزیده بود و انگلیسی‌ها از بی‌دست و پایی تیموریان سوء استفاده نموده می‌خواستند

۱. انفاس العارفين، ص ۳.

۲. متوفی: ۱۱۷۶ هجری.

۳. تذکره علمای هند، ص ۱۱۹.

۴. متوفی: هفتم شوال ۱۲۳۹ هجری.

۵. متوفی: ۱۲۴۹ هجری.

۶. متوفی: ۱۲۴۳ هجری.

بر تمام هند مسلط شوند. در این چنین دوره هرج و مرج افراد خانواده ولی اللّهی از وقار و عظمت علوم دینی نه تنها نگهداری کردند بلکه در ترویج و گسترش و پیشرفت آن مساعی قابل ملاحظه و شایانی را بخرج دادند. اینها سعی کردند احساس درست و واقعی مذهبی را در عموم مردم ایجاد نمایند و در این گونه تلاش‌های خود به‌طور گسترده موفق شدند.

منابع

۱. تذکرة الاولیا، مرتّب دکتر محمد استعلامی انتشارات زوآر، تهران.
۲. نفحات الانس، مطبع نولکشور.
۳. غزلیات سعدی، آقای محمد علی فروغی، کتابفروشی و چاپخانه بروخیم تهران.
۴. انفاس العارفين، چاپ مطبع احمدی، دهلی، ۱۳۱۵ هـ/۱۸۹۷ م.